

پژوهش‌نامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۹۹
صص ۲۹-۴۹ (مقاله پژوهشی)

No. 26, Spring & Summer 2020

نقدی بر نظریه استقلالی بودن حجیت سنت با تکیه‌گاه بر دیدگاه علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی

رقیه جبرئیلی جلودار^۱، سیدقاسم حسینی^۲، عبدالله جبرئیلی جلودار^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۰/۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۳/۱۱)

چکیده

برخی از محققان قائل به هم‌عرض بودن قرآن و سنت در حجیت بوده و سنت را در حالی که می‌تواند از قرآن کمک بگیرد در بخشی از اینکه قرآن در آن ساکت است، دارای استقلال می‌دانند، این نظریه برخلاف دیدگاه علامه طباطبایی و شاگردش آیت‌الله جوادی آملی است، که حجیت سنت را بر خواسته از قرآن و در طول آن می‌دانند، در این مقاله با روش تحلیلی، درصدد نقد دیدگاه اول برآمده و دلالتی از قبیل: قرآن آبشخور همه معارف سنت نه بخشی از آن، حجیت سنت و امداد آیات قرآن، قرآن معیار سنجش روایات، ترجیح ما وافق القرآن در تعارض روایات، ارائه شده است، دست آورد تحقیق حاکی از آن است که ادله قائلان به حجیت استقلالی سنت مثل، منبع بودن وحی برای سنت و دلیل عقلی بر حجیت سنت و نوگستر بودن آن، و عرضه روایات به سنت، نه تنها تمام نیست، بلکه برخی از آن به صورت غیرمستقیم حجیت سنت را در طول حجیت قرآن می‌داند و نه عرض آن.

کلید واژه‌ها: قرآن، سنت، حجیت استقلالی، علامه طباطبایی، آیت‌الله جوادی آملی.

پژوهش‌گاه علمی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، آموزش تخصصی حضرت ام‌البنین (س) بابل، (نویسنده مسئول)،
roghayehjebraeili@gmail.com

۲. عضو هیات علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم.

۳. دکتری تفسیر تطبیقی و مدرس حوزه و جامعه المصطفی (ص).

۱. طرح مسئله

تمامی معارف و آموزه‌های اخلاقی و دستورات و احکام دین اسلام مستند بر منابع چهارگانه، قرآن و سنت و عقل و اجماع می‌باشد. نسبت دادن مطالب به دین اسلام باید مبتنی بر استناد آن مطالب بر این منابع چهارگانه باشد. اما اینکه وزن این منابع چهارگانه در مقایسه نسبت به هم یکسان هست یا خیر؟ و یا اینها نسبت به هم چه رابطه‌ایی دارند مطالب مفصلی هست که در جای خود مورد بحث قرار می‌گیرد. در این مقال که رابطه قرآن و سنت چگونه است؟ در اینکه این دو ترابط دارند و از تعاملی برخوردار هستند و هر دو خدمات مختلفی نسبت بهم دارند نیز بحثی نیست. سخن دقیقا در چگونگی حجیت این دو منبع است، که آیا همانطور که قرآن در حجیت خود مستقل است و حجیت آن وام‌دار سنت نیست، در مقابل سنت نیز در حجیت مستقل است و حجیت آن وام‌دار قرآن نمی‌باشد؟ آیا رابطه استقلالی هست یا آنکه حجیت سنت فرع قرآن است و از حجیت قرآن گرفته شده است؟ در میان محققان عده‌ایی بر این عقیده هستند که سنت نیز مثل قرآن دارای حجیت استقلالی هست، از قبیل شافعی و ابن حزم و غیر این دو مثل عبدالغنی عبد الخالق، سباعی و آمدی، که معتقدند کتاب و سنت از حیث احتجاج در احکام شرعی در یک رتبه هستند. (نک: شافعی، ۳۳؛ اندلسی، ۱۹۹/۲؛ عبدالخالق، ۴۸۵؛ سباعی، ۱۸۸؛ آمدی، ۹۶-۹۷) صاحب کتاب رابطه متقابل کتاب و سنت می‌گوید: "قرآن و سنت در عرض هم قرار دارند یعنی در دو محور در کنار هم هستند" (نصیری، ۵۹۹) این گروه هرچند برای این ادعا ادله‌ایی ذکر کرده‌اند، ولی نه تنها این دلایل نمی‌تواند ادعای آنها را ثابت کند و مورد نقد جدی هست بلکه ادله متعددی بر عدم استقلال حجیت سنت نیز وجود دارد. لذا دانشمندانی در رد آنها سخنانی ایراد کرده‌اند، که می‌توان از اهل سنت شاطبی، مصطفی خمیس، محمود ابوریه و از شیعه علامه طباطبایی و کسانی که دیدگاه او را اختیار نموده‌اند مثل جوادی آملی، محمد ابراهیم جناتی، معرفت و سبحانی را نام برد.

واکاوی به ادله هر دو دیدگاه و داوری درباره آنها مساله اصلی مقاله حاضر است.

۲. مقدمه

تردیدی نیست که قرآن و سنت، دو منبع اصلی در تبیین معارف دینی‌اند که بین آن دو رابطه تعاملی متقابلی وجود دارد؛ که هم از خود قرآن و هم از حدیث ثقلین هم‌سویی و هم‌آوایی قرآن و سنت، در فهم معارف دین قابل درک هست آن‌هایی که قرآن و سنت را در عرض هم قرار می‌دهند مثل بعضی از بزرگان اهل سنت از جمله ابن حزم و شافعی، قرآن را آب‌شخور همه معارف سنت نمی‌دانند و معتقدند: لازم نیست سنت اعتبار خودش را از قرآن بگیرد و سنت و قرآن را هم رتبه می‌دانند. کتاب‌های زیادی در باره جایگاه سنت در برابر قرآن ورد منکران سنت نگاشته شده است که به مهمترین آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. حجیة السنه عبدالغنی عبدالخالق ۲. السنه و مکانتها فی التشریح الاسلامی مصطفی سباعی ۳. القرآن‌یون و شبهاتهم حول السنه خادم حسین الهی بخش که به تفصیل به بررسی دیدگاه‌ها و ادله قرآنیون که که منکر سنت هستند پرداخته است ۴. منزله السنه من الکتاب و اثرها فی الفروع الفقهیة محمد منصور که در این کتاب به نقش سنت در برابر قرآن تنها از جهت فقهی مورد بحث پرداخته است. ۵. علی نصیری در کتاب رابطه متقابل قرآن و سنت که مؤلف آن معتقد است سنت در عرض قرآن است، ایشان قائل هستند که سنت در عین این‌که می‌تواند از قرآن کمک بگیرد با این حال در اعتبار و حجیت دارای استقلال است و ضرورتاً و امدار قرآن نیست هرچند قرآن می‌تواند به اعتبار سنت کمک کند که چنین نیز شده است و لذا معتقدند سنت در ارائه بخشی از آموزه‌های دینی که قرآن نسبت به آن ساکت است، دارای استقلال است.

در این مقاله ابتدا ادله فائلان به حجیت استقلالی سنت ذکر می‌شود و سپس تحت عنوان ادله سلبی به نقد آن‌ها پرداخته شده و آنگاه ادله ایجابی در عدم استقلال حجیت سنت ارائه می‌گردد:

۳. ادله موافقان حجیت استقلالی سنت

مهم‌ترین دلایل آنهایی که قائل به حجیت استقلالی سنت بوده و سنت را در عرض قرآن می‌دانند عبارت است از ۱- و حیانی بودن منبع سنت. ۲- دلیل عقلی بر حجیت سنت، به جهت ضرورت عصمت پیامبر (ص) و نوگستر بودن سنت ۳- عرضه روایات بر سنت. بعد از ذکر این دلائل نقد آن در قالب ادله سلبی عدم استقلال حجیت سنت ذکر خواهد شد، و اما توضیح دلایل آن‌ها به شرح ذیل است:

۳-۱. و حیانی بودن منبع سنت

مصدر و منبع کتاب و سنت یکی است و آن وحی الهی است، و این امر مهمی است یعنی هرچه در قرآن و سنت هست از خداوند تبارک و تعالی است، لذا شافعی می‌گوید: بین کتاب و سنت ارتباط علمی محکم و وثیق وجود دارد که هر دو همدیگر را کامل می‌کنند و هر دو آن‌ها از نظر حجیت در مرتبه واحد هستند برای این‌که با توجه به آیه شریفه «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (النجم، ۳-۴) پیامبر اکرم (ﷺ) هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آنچه آورده چیزی جز وحی نیست که به او وحی شده است (شافعی، الرساله). چنانچه عبدالغنی عبدالخالق در این باره می‌گوید: «سنت با قرآن از نظر اعتبار و امکان استدلال به آن‌ها برای اثبات احکام شرعی برابر است، زیرا حجیت قرآن ناشی از آن است که وحی خداوند است... و سنت از این جهت برابر با قرآن است، زیرا مانند قرآن وحی است، پس باید بپذیریم که اعتبار سنت پس از قرآن نیست» (عبدالخالق، ۳۷۶). لذا نصیری می‌گوید «پیداست حجیت سنت در عرض قرآن وجود دارد» (نصیری، ۲۹۷).

۳-۲. دلیل عقلی بر حجیت استقلالی سنت

مدعیان حجیت استقلالی سنت علاوه بر دلیل و حیانی بودن منبع سنت بر دلیل عقلی برای اثبات مدعای خود نیز استدلال کردند و آن را تحت دو شاخصه مطرح نمودند که به شرح آن می‌پردازیم و سپس در ادله سلبی عدم استقلال حجیت سنت هر دو شاخصه را نقد می‌کنیم.

۳-۲-۱. ضرورت عصمت پیامبر (ص) و حجیت استقلالی سنت

اولین شاخصه این نظریه آنست که بر لزوم و ضرورت عصمت انبیاء ادله عقلی و نقلی فراوانی ذکر شده از جمله اینکه اگر انبیاء عصمت نداشته باشند نقض غرض الهی می‌شود چون غرض خداوند از ارسال رسل هدایت مردم هست و در صورت عدم عصمت نبی و اشتباه و خطای او مردم چه بسا گمراه شوند، پس نقض غرض شد و یا تسلسل لازم می‌آید باید آن پیامبری که خطا می‌کند خود پیامبر دیگری داشته باشد که او را هدایت کند اگر آن پیامبر هم عصمت نداشته باشد پیامبر دیگری لازم است لذا تا عصمت نباشد یا نقض غرض هست و یا تسلسل که هر دو صحیح نیست و همین‌طور ادله دیگر عقلی که می‌رساند پیامبر باید عصمت داشته باشد. برخی از محققان معتقدند که حال که پیامبر (ص) عصمت دارد لازمه عصمت هم آنست که سخن او حجیت داشته باشد و چون عصمت او ضرورت عقلی داشت، پس سنت او حجیت استقلالی دارد، یعنی عقلاً حجیت دارد نه اینکه قرآن بگوید که سنت حجیت دارد یعنی لزوماً اعتبار و حجیت خود را از قرآن نمی‌گیرد و وام‌دار قرآن نیست. بنابراین حجیت سنت استقلالی می‌باشد. (نک: نصیری، ۵۹۹ و نیز نک: سباعی، ۱۵۸).

۳-۲-۲. نوگستر بودن سنت و استقلال حجیت آن

دومین شاخصه این نظریه این است که: سنت در برابر قرآن صرفاً به تفسیر و تبیین خلاصه نمی‌شود بلکه سنت می‌تواند نوگستر باشد. یعنی بخشی از آموزه‌های دین که قرآن از بیان آن‌ها حتی برای معصومان ساکت است در سنت انعکاس یافته است (سباعی، ۱۵۸). آنها هم‌چنین معتقدند سنت در ارائه بخشی از آموزه‌های دین که قرآن نسبت به آن ساکت است دارای استقلال است و این نشان از تمام بودن این ادله است.

لذا برخی از محققان مثل شوکانی در ارشاد الفحول آورده است، سنت علاوه بر نقش تبیین و تفسیر در ارائه برخی از آموزه‌های دین، استقلال دارد. (۱-۱۶۱) و جناب سید محمدتقی حکیم به نقل از شوکانی چنین آورده است: «ان ثبوت حجیة السنّة المطهّرة و

استقلالها بتشریح الاحکام ضرورت دینی و لا ینخالف فی ذلک الا من لاحظ له فی دین الاسلام» (حکیم، ۱۶۰) اثبات حجیت سنت مطهر و استقلال سنت در تشریح احکام، ضرورتی دینی است و تنها کسی که بهره‌ایی از این مطالب ندارد و یا جز کسی که هیچ بهره‌ای از دین اسلام ندارد با این مطلب مخالفت نمی‌کند.

مصطفی سباعی نیز در کتاب «السنة و مکانتها فی التشریح الاسلامی» آورده است که اکثر علمای اهل سنت در اعتبار سنت میان انواع سنت مثل سنت مؤکد یا مفسر یا مستقل فرقی نگذاشته‌اند. که سخن این محقق چنین است: «احتج الجمهور بأن النصوص الواردة فی القرآن دالة علی وجوب اتباع الرسول ... لا تفرق بین السنه المؤکده او المفسرة و المستقلة.» (سباعی، ۱۵۸).

۳-۳. عرضه روایات به سنت

مدعیان حجیت استقلالی سنت روایاتی را متذکر شده‌اند که به روایات عرضه موسوم است و با استشهاد به این روایات در صدد اثبات استقلال حجیت سنت هستند، علی نصیری آورده است که: «با کمک «روایات عرضه» می‌توان استقلال حجیت سنت را اثبات کرد به این ترتیب که: همان‌طور که برای فهم صحت روایات آن را به قرآن عرضه می‌کنیم می‌توانیم به سنت هم عرضه کنیم، می‌توان با استناد به این روایات، روایات را به قرآن و سنت عرضه کرده و در عموم این دست از روایات از سنت در کنار قرآن به عنوان معیار مستقل یاد شده است. به عنوان نمونه به دو روایت اشاره می‌کنیم:

۱- امام صادق (علیه السلام) فرمود: «کل شیء مردود الی الکتاب و السنه» همه چیز [می‌بایست] به

کتاب و سنت بازگردانده می‌شود» (نصیری، ۳۲۷ به نقل از کلینی، ۶۹/۱ و برقی، ۲۲۱/۱).

۲- «لَا تُصَدِّقُ عَلَيْنَا إِلَّا مَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ» بر ما هیچ گفتاری را مگر آنچه

که موافق قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است تصدیق نکنید (کلینی، ۹۶/۱ الحر العاملی،

۲۷/۲۷).

آن‌گاه می‌افزاید «در این دسته از روایات قرآن و سپس سنت نبوی به عنوان معیار باز شناخت روایات سره از ناسره معرفی شده‌اند به این معنا که ممکن است قرآن از ارائه پاسخ ایجابی و سلبی نسبت به صحت روایتی ساکت باشد. این امر نشان از واگذاری بخشی از آموزه‌های دینی به سنت و سکوت قرآن از آن است که جزء شاخصه‌های اصلی نظریه دوگانه محوری است» (نصیری، ۳۲۸).

ع. ادله مخالفان حجیت استقلالی سنت

طرفداران این دیدگاه به دو نوع دلیل استدلال کرده‌اند اولاً ادله سلبی در نقد دلایل موافقان حجیت سنت، و ثانیاً ادله ایجابی در اثبات عدم استقلال حجیت سنت.

ع-۱. ادله سلبی در رد استقلال حجیت سنت

ادله سلبی یعنی نقض استدلال موافقان حجیت استقلالی سنت به این معنی که آنچه آنها به عنوان دلیل ذکر کرده‌اند، دلالت بر مدعی نمی‌کند.

ع-۱-۱. تایید قرآن بر وحیانی بودن سنت پیامبر (ص)

هرچند اصل سخن درست است که منشا کلام نبوی (ﷺ) و اهل بیت (علیهم‌السلام) از وحی است چنانچه برخی بر این باورند که منشا کلام قرآنیون که معتقد به قرآن بسندگی هستند مبنی بر وحیانی نبودن سنت نبوی برمی‌گردد به عدم عصمت نبی و عدم لزوم اطاعت از نبی و منبع نبودن سنت (معارف، ۵۳) که این هر سه غیرقابل پذیرش است پس باید بپذیریم که منشاء سنت نبوی وحی است، لکن تایید خود این مطلب از قرآن هست، یعنی قرآن تایید کرده که کلام پیامبر (ﷺ) از هوی و هوس نیست و همین آیه مذکور دلیلی است که روایت حجیت خود را از قرآن گرفته است. ضمن اینکه از این آیه استفاده نمی‌شود که روایت نبوی در حجیت مستقل و هم تراز وحی است، بلکه براساس سیاق آیات بویژه آیه بعدی

«عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى» (النجم، ۵) به این معنی می‌باشد که سخنانی که پیامبر (ﷺ) از جانب خدا می‌گوید کلام خدا و قرآن و از وحی است، پس در آیات سوره نجم سخن در آیاتی است که پیامبر (ص) از قرآن بیان می‌کند، نه سنت و سخن عادی پیامبر (ص)، لذا این دلیل تمام نیست. علاوه بر آنکه وقتی پیامبر (ﷺ) برای اثبات حقانیت خود از قرآن بهره می‌برد این خود نشان می‌دهد که کلام ایشان در حجیت مستقل و در عرض کلام خدا نیست. و اگر گفته شود که پیامبر چاره‌ایی نداشت جز اینکه حقانیت خود را با قرآن به اثبات برساند با قرآنی که معجزه بود و مردم هم معجزه بودن قرآن را فهمیده بودند. خواهیم گفت که منظور از عدم استقلال روایت نیز همین است که روایات و سخن پیامبر (ص) به کمک قرآن حجیت دارد و در طول قرآن است اما قرآن که استقلالش ذاتی است چون معجزه است اعتبارش مستقل است.

۴-۱-۲. عدم وجود دلیل عقلی بر استقلال حجیت سنت

مدعیان حجیت استقلالی سنت به دو دلیل عقلی استدلال کرده بودند با عنوان دو شاخصه برای اثبات استقلال حجیت سنت که هر دو آنها نا تمام است.

الف: دلالت نداشتن ضرورت عصمت بر استقلال حجیت سنت

ضرورت عصمت نبی دلالت بر استقلال سنت و سخن او نسبت به قرآن ندارد. ادعا چیزی است و دلیل چیز دیگر، یعنی عصمت پیامبر (ﷺ) و امام اقتضای ضرورت عقلی است ولی حتما باید سنت معصوم به صورت مستقل و در عرض کتاب خدا حجیت داشته باشد؟ چنین مطلبی از ضرورت و دلیل عقلی استفاده نمی‌شود. ممکن است گفته شود لازمه عصمت پیامبر (ص) این است که کلامش مثل همان قرآن است و لذا مستقلا حجیت دارد، لکن این خود به این معنی است که چون عین قرآن است حجیت دارد پس اعتبارش را از آن جهت که عین قرآن است دارد یعنی وقتی با قرآن سنجیده می‌شود می‌بینیم عین قرآن

است، پس در طول قرآن است. و یا ممکن است گفته شود چون معصوم هستند سخنشان کاملاً قابل اعتماد است البته که چنین است لکن این قابل اعتماد بودن غیر از حجیت مستقل داشتن است، یعنی می‌تواند در حالی که حجیت خود را از قرآن دارد قابل اعتماد باشد.

ب: عدم دلالت نوگستر بودن سنت بر حجیت استقلالی آن

نوگستر بودن احادیث بر اساس جزئیات است و کلیات احکام در قرآن آمده است و نه تنها احکام بلکه براساس قول برخی از محققین در جامعیت قرآن همانند آیه الله جوادی آملی همه چیز در قرآن آمده و قرآن با داشتن باطن بیانگر همه چیز هست و افراد عادی به دلیل تیرگی و نداشتن لیاقت از رسیدن به تمام معارف آن عاجزند (کریمی، ۸۵).

آیه الله جوادی آملی در مورد این‌که همه معارف سنت در قرآن وجود دارد آورده است که یکی از شواهدی که نشان می‌دهد که همه معارف سنت در قرآن وجود دارد این آیه است که خداوند در سوره مبارکه نحل آیه ۸۹ می‌فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» [و ما این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است]. به ضمیمه روایات فراوانی که دلالت می‌کند، نه تنها شامل مجموعه دینی از معارف و نبوت و معاد و اخلاق و احکام و مانند آن‌هاست، بلکه همه اسرار جهان و رخدادهای نظام کیهانی تا قیامت را جامع است (جوادی آملی، ۲۱۹/۱).

و نیز ایشان در کتاب «قرآن در قرآن» می‌فرماید: «خداوند در سوره مبارکه انعام می‌فرماید: «لَارْطُبْ وَلَا يَابِسْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مَّبِينٍ» (الانعام، ۵۹). مقصود از «رطب و یابس» به قرینه قبل و بعد آیه علم همه اشیاء است. و در ادامه با ذکر سؤالی می‌فرماید: آیا تمام حقایق جهان و کیفیت رهیابی به همه علوم و معارف تجربی، ریاضی، کلامی، فلسفی، عرفانی و مانند آن در قرآن مبسوطاً بیان شده است؟ بعد آورده است پاسخ منفی است مگر به لحاظ باطن قرآن و مرحله والای آن که «ام الكتاب» باشد؛ زیرا همه حقایق در آن

منطوی است و انسان کامل به آن راه دارد (همان، ۲۲۵).

براساس سخنان علامه طباطبایی نیز کلیات هر چیزی در قرآن ذکر شده و قرآن با اشاره بر همه چیز دلالت می‌کند زیرا هدف انسانیت که در به کار بستن اصول اخلاقی و قوانین عملی است نهفته است، مناسب و لازمه همان جهان‌بینی می‌باشد که قرآن مجید تشریح کامل نموده است (طباطبایی، ۲۶) چه رسد به احکام که قطعاً براساس جامعیت قرآن کلیات آن در قرآن ذکر شده است، بنابر این با توجه به کلیات مذکور در قرآن در روایات نو و تازه ایی نیست فقط تبیین جزئیات است.

لذا در احکام وقتی از امام (ع) سوال می‌شود که چرا مسح بخشی از سر کفایت می‌کند فرمود: لِمَكان الباء، چون با دلالت بر بعض می‌کند. پس امام هم احکام را از قرآن استخراج می‌کند ولی ما چون نمی‌دانیم گمان می‌کنیم خودش می‌گوید و می‌بنداریم که سنت آنها سنت استقلالی دارد. در حالی که چنین نیست و این سنت برمی‌گردد به قرآن.

علاوه بر آنکه حتی در مواردی هم که خود پیامبر (ص) حکمی را تشریح می‌کند چون تایید و حجیت سنت پیامبر (ص) را قرآن بیان داشته که او ما ینطق عن الهوی هست احکامی که بیان می‌کند با تایید این آیه حجیت دارد نه به صورت مستقل. یعنی اگر نبود این عبارت که هرچه او می‌گوید از هوی و هوس نیست کلام او حجیت نداشت پس سنت اعتبار خود را و امدار تایید قرآن است.

۴-۱-۳. دلالت نداشتن عرضه روایات به سنت بر حجیت استقلالی آن

اگر می‌توان برخی از روایات را به سنت عرضه کرد باید صحت آن سنت را از قرآن اثبات کرد، با توجه به روایات فراوان که می‌گوید برای صحت سنت آن را به قرآن عرضه نمایید. بنابراین، این دسته روایات عرضه می‌گوید ارجاع به سنت، ولی سنتی که ثابت شده از مسیر قرآن است نه مطلق سنت ولو سنت مشکوک قبل از اثبات حجیت باشد. یعنی روایات را به واسطه سنت به قرآن عرضه می‌کنیم، بنابراین باز هم سنت در حجیت خود

محتاج قرآن هست. هم‌چنان‌که آیه الله جوادی آملی در این باره آورده است که حجیت قرآن ذاتی و استقلالی است و حجیت روایات معصومین فرع بر حجیت سنت پیامبر اکرم و حجیت روایات به قرآن برمی‌گردد (جوادی آملی، ۳۷۸-۳۷۷) و نیز تصریح کرده است همه آن‌چه که اهل بیت می‌گویند سخن قرآن است لیکن با واسطه قرآن که از اسرار قرآن گرفته و برای مردم تبیین می‌کنند (همانجا، ۳۹۰).

۴-۲. دلایل ایجابی بر مستقل نبودن حجیت سنت (در طول قرآن بودن)

مخالفان با حجیت استقلالی سنت علاوه بر نقد و رد دلائل موافقان به دلیل‌های ایجابی برای اثبات عدم استقلال حجیت سنت نیز استدلال نمودند که به مهم‌ترین این ادله اشاره می‌شود:

۴-۲-۱. قرآن آبشخور همه معارف سنت

قرآن آبشخور همه معارف سنت است و سنت در طول قرآن به تبیین و یا تأکید آموزه‌های قرآن می‌پردازد. علامه طباطبایی معتقد است که سنت آنچه را که قرآن بر آن دلالت دارد، تبیین می‌کند یعنی همه معارف از قرآن است ولی تبیین آن را روایات به عهده دارد، لذا علامه می‌گوید: این همان چیزی است که آیات مختلفی از قرآن به آن دلالت دارد از قبیل آیه شریفه: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (النحل، ۱۶) و «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» مفهوم این آیات این است که روایات آنچه را که قرآن بر آن دلالت دارد را به مردم یاد می‌دهد و برای آنها تبیین می‌کند. (طباطبایی، ۸۵/۳) این‌که [مقام روایات مقام تعلیم قرآن است] همان چیزی که آیاتی نظیر آیات فوق بر آن دلالت دارد. پس پیامبر به مردم تبیین می‌کند آنچه را که خود قرآن به آن دلالت دارد.

برخلاف کسانی که سنت را درعرض قرآن قرار می‌دهند و معتقدند که قرآن تنها آبشخور بخشی از معارف هستند معتقدیم که قرآن آبشخور همه معارف سنت است آیت الله جوادی آملی در این باره آورده است «آن‌چه که ائمه معصومین (علیهم‌السلام) می‌دانستند در قرآن

وجود دارد. که حتی خود ائمه تصریح کردند به عنوان نمونه در روایتی از امام باقر (ع) چنین آمده است؛ هرگاه سخنی برای شما بگویم از من پیرسید که در کجای قرآن استفاده کرده‌ام. آن‌گاه چنین فرمودند: پیامبر از قیل و قال و تباه کردن مال و جامعه و زیاد سؤال کردن نهی کرد. گفتند: ای فرزند رسول خدا این سخن در کجای قرآن است؟ آن‌گاه امام (ع) به سه آیه قرآن استشهاد کردند (برقی، ۲۶۹/۱ و کلینی، ۶۰/۱ و نیز جوادی آملی، ۳۸۳).

آیت الله جوادی آملی می‌افزاید «معنی این‌که سنت در طول قرآن وجود دارد این است که تبیین قرآن از سوی پیامبر تبیین درونی است نه بیرونی» (جوادی آملی، همانجا). یعنی پیامبر (ص) آنچه درون قرآن هست را تبیین می‌کند، شان پیامبر (ص) یا تبیین است و یا تعلیم آیات قرآن است و یا تذکر که «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» (الغاشیه، ۲۱) که در هر سه صورت از درون قرآن و در طول قرآن است و نه در عرض قرآن (همانجا).

۴-۲-۲. تأیید آیات قرآن بر حجیت سنت

آیات قرآن در عرصه‌های مختلف رفتار نبوی را تأیید نموده است و این بیانگر آن است که سنت، حجیت خود را از قرآن گرفته است، زیرا این قرآن است که عصمت پیامبر (ص) و سخن پیامبر (ص) و قضاوت ایشان را تأیید نموده والا سنت پیامبر حجیتی پیدا نمی‌کرد و این آیات به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۴-۲-۲-۱. تأیید عصمت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) در قرآن

الف: آیه اولی الامر «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِی شَیْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَیْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِیلاً» (النساء، ۵۹). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او]

عرضه بدارید، این بهتر و نیک فرجام تر است» آیه همسان بودن اطاعت اولی الامر و اطاعت از پیامبر (ص) و همسان بودن اطاعت پیامبر (ﷺ) و اطاعت خداوند را ثابت می‌کند، در این آیه به اذعان همه مفسران شیعه مراد از اولی الامر ائمه معصومین (علیهم السلام) هستند که آیه ناظر بر عصمت آن‌ها به طور خاص است (طبرسی، ۱۰۰/۳ و طباطبایی، ۳۸۷/۳-۴۰۰ و مکارم شیرازی، ۴۳۶/۳). بنابراین از آیه عصمت پیامبر (ص) و ائمه (ع) و حجیت سنت آنان استفاده می‌شود زیرا اطاعت مطلق ذکر شده در همه موارد اطاعت از آنها واجب هست، تاکید می‌شود مطلقاً اطاعت واجب است. و این یعنی تایید عصمت آنها و لذا حجیت سنت آنها از قرآن می‌باشد نه به صورت ذاتی از خود سنت.

ب: آیه تطهیر آنجا که می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (الاحزاب، ۳۳) یعنی: «خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند». که در این آیه منظور از رجس هرگونه پلیدی و مراد از تطهیر، تطهیر تکوینی است که عصمت تکوینی را ثابت می‌کند و منظور از اهل بیت در این آیه به اذعان روایات متواتر از فریقین پنج تن آل کسا هستند شامل پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین، که مناطاً و اخبار آنان سایر ائمه را نیز دربرمی‌گیرد (طباطبایی، ۳۰۹/۱۶-۳۱۳ و طبرسی، ۵۵۸/۸-۵۶۰) پس این آیه نیز تایید کننده عصمت و در پی آن حجیت سنت آنها تایید می‌کند لذا سنت حجیت خود را از قرآن گرفته است و در طول قرآن است و نه در عرض آن.

۴-۲-۲-۲. تایید سخن پیامبر (ص) در قرآن

آیاتی در قرآن به چشم می‌خورد که اعلان اعتبار سنت پیامبر و ضرورت استناد به آن را نشان می‌دهد. این آیات نشان دهنده حجیت سنت توسط قرآن و ضرورت استفاده و استناد از آن است؛

آیه ۳-۴؛ سوره النجم «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» «و از سر هوس

سخن نمی‌گوید سخن او نیست مگر وحیی که به او وحی می‌شود» این آیه تصریح دارد بر این‌که پیامبر اسلام (ﷺ) هیچ سخنی را از روی هوا و هوس و امیال نفسانی بر زبان جاری نمی‌سازد و آنچه می‌گوید از مصدر وحی سرچشمه گرفته است (مکارم شیرازی، ۴۸۱/۲۲). البته برخی مفسران معتقدند قرینه مقامی این اطلاق را مقید می‌کند و منظور از آیه، قرآن است نه سنت پیامبر (ﷺ) (طباطبایی، ۲۷/۱۹).

۴-۲-۳-۲-۳. تأیید قضاوت پیامبر (ﷺ) در قرآن

آیاتی که بازگوکننده حجیت داوری پیامبر (ﷺ) است. به عنوان نمونه، نظیر آیه «فَلَا رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (النساء، ۶۵) «نه چنین است؛ به پرودگارت سوگند، که ایمان (واقعی) نمی‌آورند مگر زمانی که در مشاجرات و نزاع‌های خود، تو را داور قرار دهند، و در دل خود هیچ‌گونه احساس ناراحتی از قضاوت تو نداشته باشند (و در برابر داوری تو) کاملاً تسلیم باشند.» در سبب نزول آیه آمده است که میان زبیر بن عوام - از مهاجرین - و یکی از انصار، بر سر آبیاری نخلستان نزاع شد. پیامبر قضاوت کرد که چون قسمت بالای باغ، از زبیر است، اول او آبیاری کند. مرد انصاری از قضاوت پیامبر ناراحت شد و گفت چون زبیر، پسر عمه توست، به نفع او داوری کردی! رنگ پیامبر پرید و این آیه نازل شد. عجا که خودشان رسول الله را به داوری پذیرفته‌اند، ولی سرباز می‌زنند! امام صادق (ع) فرمود: اگر کسانی اهل نماز و حج و زکات باشند، ولی نسبت به کارهای پیامبر سوءظن داشته باشند، در حقیقت مؤمن نیستند. سپس آیه فوق را تلاوت فرمود (قرائتی، ۳۶۶/۲).

با توجه به این‌که یکی از مسئولیت‌های پیامبران، داوری و پایان دادن به مشاجرات و اختلاف‌هاست. و پیداست چنین مسئولیتی از پیامبر اکرم (ﷺ) نیز خواسته شده است اما این فلسفه زمانی به تحقق می‌پیوندد که داوری آنان برای مردم حجیت داشته باشد از این‌رو با توجه به آیه فوق قرآن حجیت و نافذ بودن داوری پیامبر اکرم (ﷺ) را تأیید کرده است.

۴-۲-۳. قرآن معیار سنجش حجیت سنت

همانطور که مدعیان حجیت استقلالی سنت بر معیار بودن سنت برای اعتبار روایات استدلال کردند برای اثبات حجیت استقلالی سنت که پاسخ داده شد و معلوم شد که استدلال تامی نبود، در مقابل روایات فراوانی بر معیار بودن قرآن برای سنجش سنت وجود دارد به عنوان روایات عرضه به قرآن که از آنها بخوبی بر عدم استقلال حجیت سنت می‌توان استدلال کرد. ضمن اینکه به صورت کلی قرآن معیار سنجش صحت و سقم تمام امور است، امور علمی و عملی مادی و معنوی و

۴-۲-۳-۱. دلیل قرآنی بر معیار بودن قرآن

قرآن معیار سنجش هر چیزی و خصوصاً سنت است، قرآن قطعی‌ترین نص و محکمترین سند مکتوب مسلمانان است که بدون تحریف و تغییر و زیاده و نقصان بدست ما رسیده است. (نگاه کنید صیانه القرآن عن التحریف آیه الله معرفت و مصونیت قرآن از تحریف آیه الله خویی و نزاهت قرآن از تحریف جوادی آملی و...) از نظر هر مسلمان قرآن ملاک هر امر دیگر و سایه گستر بر هر چیز «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ» (المائدة، ۴۸) و بیانگر هر چیز «نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (النحل، ۸۹)، که باطل در آن راه ندارد «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ» (فصلت، ۴۲) از این رو، هیچ سخن مخالف قرآن حجت نیست و پیامبر و امامان ما از پیش، به پیروان خود این رهنمود را داده‌اند که هیچ حدیث مخالف قرآن را از آنان ندانیم و به آنان نسبت نسازیم.

از این رو یکی از مبانی مهم برای نقد و بررسی روایات صحیح از سقیم، قرآن مجید می‌باشد که فریقین این مطلب را قبول دارند و بر معیاریت قرآن اتفاق نظر دارند این‌که حدیث جلوه سنت است و حدیثی اگر مخالف قرآن بود و به صورت مطلق و به نحو تباین کلی بر روح کلی با روح آیات قرآن و اهداف عام آن مخالفت صریح داشت تأویل بردار

هم نبود چنین روایتی مردود و مطرود است و سنت برخواسته از آن سنت نبوی نیست، پس حجیت خود را سنت مدیون قرآن است و لذا در حجیت غیرمستقل است. اما اگر این دوگانگی از نوع عام و خاص یا مطلق و مقید بوده باشد حکم به مخالفت داده نمی‌شود و آن حدیث از این باب نمی‌تواند مطرود واقع شود (جوادی آملی، ۸۹). احادیث مؤید عرضه به قرآن در مجامع روایی شیعه عموماً از قوت برخوردارند؛ اما روایات وارد شده از طریق اهل سنت ضعیفند. تواتر معنوی این روایات، وجود شبهه در این روایات از معصوم صادر نشده باشد را برطرف می‌نماید. اهل سنت نیز به ضعف این روایات اهمیت نداده‌اند چرا که قرآن را داور و حاکم بر دیگر امور می‌دانند و سیره صحابه را نیز بر تقد روایات بر اساس قرآن یافته‌اند (جدیع، ۶۹۸/۲).

۲-۳-۲-۴. دلائل روایی بر معیار بودن قرآن در سنجش روایات

اصولاً احادیثی که قرآن را به عنوان معیار سنجش شناخت روایات سره از ناسره اعم از موضوع یا ضعیف متنی معرفی کرده‌اند به دو دسته تقسیم می‌شوند؛

دسته نخست: روایات عرضه

روایاتی که به‌طور مطلق به ارجاع احادیث به قرآن تأکید کرده‌اند (الحرالعاملی، ۷۹/۱۸). از این دست از روایات به دست می‌آید که معیار سنجش روایات صحیح و سقیم، قرآن است.

الف) امام صادق (ع) از پیامبر (ص) چنین نقل کرده است: «كُلُّ شَيْءٍ مَرْدُودٌ إِلَى الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ - وَ كُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرَفٌ» (همانجا). هر حدیثی به کتاب و سنت بازگشت داده می‌شود و هر چه موافق با کتاب خدا نباشد «زخرف» است.

ب) شیخ طوسی چنین مضمونی را به عنوان روایت از پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) نقل کرده است:

«إِذَا جَاءَكُم مِّنَّا حَدِيثٌ فَأَعْرَضُوهُ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَ مَا خَالَفَهُ

فاطرحوه أو ردّوه علینا» (ملایری، ۳۱۴/۱) هرگاه از ما حدیثی رسید آن را بر قرآن عرضه کنید، اگر موافق با آن است بگیریید و اگر مخالف است کنار بگذارید یا به ما برگردانید. پس منظور از عرضه روایات بر قرآن، آن نیست که تمام منقولات معصومین (علیهم السلام) در قرآن است، بلکه منظور آن است که سنت هم همچون قرآن منتسب به منشأ الهی است و اصول بسیاری از معارف، از قرآن گرفته شده و می‌توان با عرضه روایات بر روح کلی و مفاهیم عمومی قرآن، به صحت و اعتبار روایات یا عدم صحت و اعتبار آن پی برد.

دسته دوم: موافقت با قرآن وجه ترجیح در تعارض اخبار

این دسته از روایات منظور روایاتی است که در آن‌ها از معیار قرآن برای سنجش احادیث سخن به میان آمده، مربوط به تعارض اخبار است، یعنی در تعارض میان دو روایت که هر دو از حجیت برخوردارند، یکی از وجوه ترجیح موافقت حدیث با قرآن شمرده است. اینک به عنوان نمونه یکی از آن‌ها را اشاره می‌کنیم؛

در بخشی از روایات مفصلی از امام رضا (علیه السلام) چنین آمده است؛ «فَمَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَبَرَيْنِ مُخْتَلِفَيْنِ فَأَعْرَضُوهُمَا عَلَى كِتَابِ اللَّهِ فَمَا كَانَ فِي كِتَابِ اللَّهِ مَوْجُوداً حَلَالاً أَوْ حَرَاماً فَاتَّبِعُوا مَا وَافَقَ الْكِتَابَ» (کلینی، ۱۶۶/۱ و الحر العاملی، ۸۲/۱۸ و ابن بابویه، ۲۳/۱).

هرگاه دو روایت مخالف به دست شما رسید آن‌ها را بر کتاب خدا عرضه کنید، پس هر کدام که در قرآن وجود داشت اعم از حلال یا حرام آن‌چه را که موافق قرآن است پیروی کنید.

هم‌چنان‌که از ظاهر این دسته از روایات پیداست قرآن در تمام آن‌ها به عنوان مهمترین معیار برای وجه ترجیح روایات متعارض یاد شده است

به طوری که آیت الله جوادی آملی در کتاب قرآن در قرآن آورده است: در نصوص علاجیه وقتی از معصومین (علیهم السلام) سؤال می‌کنند که اخبار متعارض را چه کنیم، پس از آن‌که جمعهای دلالتی را تذکر می‌دهند، جمعهای سندی را گوشزد می‌فرمایند و موافقت با قرآن را یکی از راههای علاج و جمعهای سندی معرفی می‌کنند. جمع دلالتی همان ردّ مطلق به

مقیّد و عام به خاص و مانند آن است که جزء تفهیم و تفاهم عرفی است و اگر روایات متعارضی با جمع‌های دلّالی مشککشان رفع شود، معلوم می‌شود تعارض آن‌ها ابتدایی بوده در واقع متعارض نبوده‌اند و نیازی به جمع سندی نیست جمع سندی آن است که روایات از حیث سند و اصل صدور یا لحاظ جهت صدور شان از معصوم مورد بررسی قرار گیرد، در این زمینه یک راه علاج همان سنجش با قرآن است که فرموده‌اند: «فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ» (کلینی، ۱/۱۷۲) روایتی را که موافق کتاب خدا بود، بگیرید و آن را که مخالف قرآن بود، رها کنید. (جوادی آملی، ۳۹۸-۳۸۸).

و در ادامه آورده است: پس معلوم می‌شود همان‌طور که روایات در اصل حجّیت نیازمند قرآنند، در تعارض روایات و تشخیص درستی و یا نادرستی مفهومی نصوص نیز معیار و میزان اعتبار قرآن است بنابراین، قرآن در مقام حجّیت «هو الأول» است هم‌چنان‌که در مقام تبیین و تفهیم و رفع مشککات روایات «هو الآخر» است و روایات فرع قرآن هستند (جوادی آملی، همانجا).

پس با توجه به آنچه گفته شد قرآن علاوه بر این‌که به صورت مطلق می‌تواند به عنوان معیار ارزش‌گذاری روایات به کار آید، هم‌چنین می‌تواند به عنوان برترین دلیل برای ترجیح روایات متعارض مورد استفاده قرار گیرد.

۵- نتایج مقاله

۱-۵. هیچ کدام از ادله قائلان به حجّیت استقلالی سنت که برگرفته از نظرات اهل سنت مثل ابن حزم و شافعی هست، نمی‌تواند مدعای شان یعنی هم عرض بودن کتاب و سنت را اثبات کند.

۲-۵. سنت را می‌توان به عنوان منبع در کنار قرآن به عنوان دومین منبع بعد از قرآن مورد استفاده قرار داد اما این به عنوان حجّیت استقلالی سنت نیست. بلکه حجّیت و اعتبار سنت برگرفته از قرآن است چه سنت قطعی باشد و چه سنت غیرقطعی و سنت قطعی اگر

چه لازم نیست آن را بر قرآن عرضه کنیم و سنت قطعی از دو جهت همانند قرآن است (یعنی در بی‌نیازی از عرض بر منبع دیگر و در این‌که خودش منبع عرض سنت غیر قطعی می‌باشد، همانند قرآن کریم).

۳-۵. حجّت و اعتبار سنت قطعی متوقف بر ثبوت رسالت رسول اکرم (ﷺ) است و رسالت آن متوقف بر معجزه بودن قرآن است لذا رتبه حجیت و اعتبار قرآن قبل از ثبوت رسالت رسول (ﷺ) می‌باشد، در حالی که ثبوت رسالت آن حضرت مقدّم بر اعتبار و حجّت سنت قطعی اوست، زیرا خود سنت قطعی ذاتاً معجزه نیست، تا ذاتاً معتبر و حجّت باشد، بلکه به واسطه رسالت رسول اکرم (ﷺ) به اعجاز قرآن کریم وابسته است.

۴-۵. طبق دیدگاه صاحب نظران شیعه مثل علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی، اعتبار سنت همتای حجیت قرآن نخواهد بود؛ بلکه از لحاظ رتبه متأخر از آن است. و قرآن مجید آبخور همه معارف سنت است و نیز در اعتبار حجیت خود وام‌دار قرآن است و در طول قرآن قرار دارد نه در عرض آن و قرآن به عنوان قطعی‌ترین سند برای شناخت روایات سره از ناسره است و با دانستن این مفاهیم هست که ما به فهم درست از قرآن و تفسیر آن می‌پردازیم و با استفاده از نظر صاحب نظران شیعه و تبیین درست نظرات این بزرگان می‌توانیم به ارائه تصویر درستی از دین و قرآن پردازیم و از انحرافات که احیاناً با عدم شناخت آن پیدا می‌شود جلوگیری کنیم.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
۲. آمدی، سیف‌الدین علی بن محمد، الاحکام فی اصول الاحکام، بیروت: دارالفکر، الطبعة الاولى، ۱۴۰۱ هـ.ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، صدوق (ابن بابویه)، عیون اخبار رضا (علیه السلام)، محقق مهدی لاجوردی، تهران: جهان، ۱۳۷۸.ق.
۴. انصاری، مرتضی، فرائد الأصول، قم: دهقان، چاپ اول، ۱۳۷۵ هـ.ش.
۵. اندلسی، ابن حزم، الاحکام فی اصول الاحکام، به کوشش احمد شاکر، قاهره: دارالعلم، بی تا.
۶. یرقی، احمد بن محمد، المحاسن، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، چاپ دوم، بی تا.
۷. جدیع، ابومحمد عبدالله بن یوسف، تحریر علوم حدیث، بیروت: مؤسسه الریان، چاپ اول، ۱۴۲۴ هـ.ق.
۸. جواد آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۰ هـ.ش.
۹. همو، سرچشمه اندیشه، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۱۰. همو، قرآن در قرآن، قم: نشر اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۰ هـ.ش.
۱۱. حرّعاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسایل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: مؤسسه آل‌البیت، داراحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۱۴.ق.
۱۲. حکیم، سید محمد تقی، (نصیری، ۵۹۹)، قم: مؤسسه آل‌البیت (بی تا)، ۱۳۹۰.
۱۳. سباعی، مصطفی، السنه و مکاتنها فی التشریح الاسلامی، بیروت: دار الوراق، چاپ اول، ۱۴۲۱ هـ.ق.
۱۴. شاطبی، ابراهیم بن موسی، الموافقات، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۱۵. شافعی، محمد بن ادريس، الرساله، تحقیق احمد محمد شاکر، دارالفکر، بی تا، ۱۳۰۹ هـ.ق.
۱۶. صدر، محمدباقر، بحوث فی علم الاصول، ایران، مطبعه مکتب الاعلام الاسلامی، المجمع العلمی، الشهید صدر، الطبعة الاولى، بی تا.
۱۷. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، منشورات جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة، چاپ دوم، ۱۳۹۵.ق.
۱۸. همو، قرآن در اسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق با مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲.ش.
۲۰. عبدالخالق، عبدالغنی، حجّیة السنّة، الازهر: دار التریبه، چاپ اول، ۱۹۴۰.م.
۲۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: انتشارات در راه حق، چاپ چهارم، ۱۳۷۸ هـ.ش.
۲۲. کریمی، مصطفی جامعیت قرآن کریم، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۰ هـ.ش.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب الکافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۸ هـ.ق.

نقدی بر نظریه استقلالی بودن حجیت سنت با تکیه بر دیدگاه علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی /// ۴۹

۲۴. معزی ملابری، اسماعیل، جامع احادیث الشیععه، تحت اشراف آیت الله محمد حسین بروجردی، قم: بی‌نا، چاپ سوم، ۱۴۱۳ هـ.ق.

۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ.ش.

۲۶. معارف، مجید، نقدی بر مدعای قرآنیون مبنی بر وحيانی نبودن سنت نبوی، مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال شانزدهم، شماره ۶۲، ۱۳۹۸، هـ.ش.

۲۷. نصیری، علی، رابطه متقابل کتاب سنت، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷ هـ.ش.





